

# علم تاریخ

مترجم: محمد امین اریب

-۲-

امادر تاریخ کمتر اتفاق می افتد که راوی شخص و وقایع را درک نموده باشد، غالباً اظهارات بوسیله دیگران غیر از کسیکه شاهد واقعه بوده است صورت میگیرد، در این موارد باید واسطه ها را به سلسله تعقیب نمود تا اینکه به شخص اول و روایت کننده واقعی رسید اما شرایط با لارا باید در مورد هر يك از این اشخاص در نظر گرفت و این کاریست که غالباً آسان و میسر نمی باشد.

باید در این موارد بر اظهاراتی که روایت کننده آن معلوم نیست مانند داستانهای شفاهی و حکایات اعتماد نمود. و با وجود این در صورتیکه وقایع حقیقی يك عصر نزد ما مجهول باشند میتوان این حکایات و قصص را نمونه طرز زندگی و عادات و عقاید آن عصر دانست. با وجود علل متعدد دی که برای اشتباه وجود دارند نسبتاً میتوان ان يك واقعه را صرف به شهادت يك نفر قبول نمود، در صورت وجود شواهد متعدد باز هم تعدد گواهی دهان حتی در صورت دست اول، نمیتواند دلیل قاطعی برای واقعیت يك حادثه باشد زیرا احتمال اشتباه دسته جمعی نیز موجود می باشد اما در صورتیکه شاهدان دارای عواطف متضاد و افکار مختلف باشند و همه به صحت واقعه شهادت داده باشند در این صورت میتوان حادثه مزبور را محقق و درست دانست، زیرا از امکان بدور است که همه مردم يك عصر برای فریب دادن مامتفق شده باشند.

بهر اندازه که تعداد بیشتر مردم از يك واقعه اطلاع داشته باشند و تعداد شهود آن زیاد تر باشد واقعه مزبور بیشتر به حقیقت نزدیک است. موارد استعمال و انتقاد شهادت، حتی در خارج از علم تاریخ نیز زیاد است. در محاکم عدلی نیز وقتی درباره عامل يك حادثه گذشته تحقیق میشود از این روش تاریخی استفاده نموده و طریقه انتقاد شهادت را بکار می بندند زیرا اشتباه حقوقی در حقیقت هما نا اشتباه تاریخی می باشد. در زندگی روزمره نیز وقتی اخباری را در مورد دیگران می شنویم و با مطالب روزنامه ها را می خوانیم، باید پیش از اینکه آنرا قبول نمائیم در این باره با کمال دقت تعمق و سنجش نموده و درباره صحت و سقم آن تامل نمائیم. زیرا روزنامه ها

مسموع شد که باهی لعنتی کم خرد وقتی که پادشاه را از سایگل گذارانیده در قلعه مالیل (۱) برده بود پیش از آن در آن ساعت با مردم خود گفته بود که ساکن شوید که من دست و پای خود را گم کرده‌ام چنان خیال می‌کنم که درویش محمد خان غازی پهلوان راه دین مرا خواهد کشت و در خواب هم همچنین دیده‌ام چونکه باهی کافر چشم خود را بهم پوشیده ساعتی غفلت برده بود که بناگاه از خواب گران بیدار شد و به مردم خود گفت که مرا پهلوان غازی کشت و سر مراد دروازه اسلام آباد آویخته بعد از آن مردم کفار گفتند که بیا بنام پاندا و شر وی ولا مانندی یک گاوی (۴۶) فربه را بکشیم آن لعین منافق قبول نکرد و یک ساعت پس باز مردم کفار با او گفتند که اگر گاو نمی‌کشی یک بیره و یک بایک بز فربه را بکشیم. و بخوریم آن ملعون بی‌دین گفت که از گلوی من آب می‌رود و گوشت را چگونه بخورم؟ و من خود دانسته‌ام که مرا پهلوان زمان حضرت درویش محمد خان غازی بدست آورده و من از دست او خلاصی ندارم و من دستگیر او شده‌ام و شماها برخیزید و پادشاه را پیش اندازید و تیز برانید که طور و سوسه در جان من شد و من خود را ... دست می‌بینم و دست و پاره گم کرده‌ام و از خود نمی‌دانم. کسک باهی با همراهی مردم خود همین گفتگو میکرد القصه از آن پهلوان زمان بشنوید چونکه شب در آمد پهلوان زمان دور کعبت نماز دو گانه از برای مالک یگانه ادا فرمود بعد از آن در تضرع شد استدعا و استعانت از واجب الوجود مینمود و در ذکر حضرت حق سبحانه تعالی مشغول بود و از حضرت خواجه نقش بندیه قدس الله سره المیز استعانت می‌طلبید و میگفت که خدایا پرورد گار آن کافران بد مکار را از دین یگانه را بدست مومنان گرفتار کنی (۴۷) که اکثر مسلمانان کافه اسلام در رنج می‌دارند و مسلمانان را می‌کشند و به همراهی خود به کافرستان (۲) می‌برند و حضرت درویش محمد خان غازی همین مناجات را بدر گاه قاضی الحاجات میکرد و پهلوان زمان در آن وقتی که بعضی را غضب کرده بود و بعضی را بوعده اسپ و سراپا سرافراز کرده بود و همه لشکر مومنان خدا را یار کردند و بکارزار برآمدند رزم کردن پیشه گرفتند و چنان رزم کردند که مسلمانان در عشق غرامت گشتند

(۱) مالیل: قلعه مالیل، کوه مالیل دره مالیل درین کتاب ذکر شده دره مالیل بطرف چپ چاناک واقع است و قلعه مالیل در آن دره واقع شده.

(۲) اصطلاح «کافرستان» در حوالی ۴۰۰ سال قبل حین جریان جنگ‌های درویش محمد خان غازی با کفار کتور معمول بود و قاضی محمد سالم مولف کتاب آنرا استعمال کرده است.

## علم تاریخ

مترجم: محمد امین اریب

-۲-

امادرتاریخ کمتر اتفاق می افتد که راوی شخص و وقایع را درک نموده باشد، غالباً اظهارات بوسیله دیگران غیر از کسیکه شاهد واقعه بوده است صورت میگیرد، در این موارد باید واسطه هارا به سلسله تعقیب نمود تا اینکه به شخص اول و روایت کننده واقعی رسید اما شرایط بالارا باید در مورد هر يك از این اشخاص در نظر گرفت و این کاریست که غالباً آسان و میسر نمی باشد.

باید در این موارد بر اظهاراتی که روایت کننده آن معلوم نیست مانند داستانهای شفاهی و حکایات اعتماد نمود. با وجود این در صورتیکه وقایع حقیقی يك عصر نزد ما مجهول باشند میتوان این حکایات و قصص را نمونه طرز زندگی و عادات و عقاید آن عصر دانست. با وجود علل متعدد دی که برای اشتباه وجود دارند در تائید آن میتوان ان يك واقعه را صرف بشهادت يك نفر قبول نمود، در صورت وجود شواهد متعدد باز هم تعدد گواهی دهان حتی در صورت دست اول، نمیتواند دلیل قاطعی برای واقعیت يك حادثه باشد زیرا احتمال اشتباه دسته جمعی نیز موجود می باشد اما در صورتیکه شاهدان دارای عواطف متضاد و افکار مختلف باشند و همه به صحت واقعه شهادت داده باشند در این صورت میتوان حادثه مزبور را محقق و درست دانست، زیرا از امکان بدور است که همه مردم يك عصر برای فریب دادن مامتفق شده باشند.

بهر اندازه که تعداد بیشتر مردم از يك واقعه اطلاع داشته باشند و تعداد شهود آن زیاد تر باشد واقعه مزبور بیشتر به حقیقت نزدیک است. موارد استعمال و انتقاد شهادت، حتی در خارج از علم تاریخ نیز زیاد است. در محاکم عدلی نیز وقتی درباره عامل يك حادثه گذشته تحقیق میشود از این روش تاریخی استفاده نموده و طریقه انتقاد شهادت را بکار می بندند زیرا اشتباه حقوقی در حقیقت هما نا اشتباه تاریخی می باشد. در زندگی روزمره نیز وقتی اخباری را در مورد دیگران می شنویم و با مطالب روزنامه هارا می خوانیم، باید پیش از اینکه آنرا قبول نمایم در این باره با کمال دقت تعمق و سنجش نموده و درباره صحت و سقم آن تامل نمایم. زیرا روزنامه ها

با مربوط به مؤسسات مالی بوده و تحت تاثیر پول قرار می گیرند و با اینکه چون به احزاب متعلق می باشند به طرفداری از نظریات سیاسی حزب انتشارات می نمایند بنابراین مندرجات آنها اغلب نباید بدون سنجش مورد قبول واقع گردد. همچنین مردم باید در مواقع انتخابات تحت تاثیر انتشارات مطبوعات قرار نگرفته و بابکار بستن این روش تاریخی از اشتباه خویش جلوگیری نمایند.

### ترکیب تاریخ

بعد از اینکه وقایع در اثر انتقاد اسناد و مدارک تثبیت گردید مورخ باید آنها را باهم پیوند نموده و یک شرح کلی از آنها درست نماید بنا بر این پس از تجزیه و تحلیل عمل ترکیب صورت می گیرد، این عمل را بعضاً ترکیب تاریخ و یا ترکیب تاریخی می نامند. درین حالت باید اهمیت نسبی وقایع مدنظر بوده و بوسیله استدلال نواقص غیر قابل احتراز یکه در آن وجود دارد مرتفع گردد، مؤرخ باید توانائی تصور زندگی مردم گذشته را داشته باشد، مفهوم فورمول معروف «میشله» هم همین است که گفته بود «تاریخ یک احیای مجدد است».

در هنگام دسته بندی وقایع، تقریباً ناممکن است که مؤرخ تحت تاثیر بعضی از مفکوره های عمومی قرار نگیرد. امام مؤرخان همواره در مورد انتخاب یک روش مناسب در این باره متفق نیستند؛ میشله، در تاریخ مفکوره های عالی و تمایل مردم به آزادی و روح عدالت پسندی انسانها را بیشتر اهمیت داده و تاریخ را متشکل از این مفکوره ها می پندارد، این ذهنیت را در تاریخ مسالک اصالت فکری یا ایدیالیسم می نامند. برخلاف کارل مارکس مؤسس سوسیالیسم علمی وقایع مهم تاریخ را بر اثر علل مادی می داند و احتیاجات مادی انسانها و عوامل اقتصادی را در تشکیل تاریخ بیشتر اهمیت می دهد. بر طبق نظریه اورژیم های ملکیت و کار در نوع تشکیل و ایجاد جمعیت ها نقش اساسی دارند. بشریت بر اثر نا رضایتی های طبقات رنجبر تحول می یابد. «جنبه منفی تاریخ، تاریخ را بوجود می آورد». این ذهنیت را ماتریالیسم تاریخی می نامند. میتوان این دو نظریه مختلف را باهم ترکیب نمود، چنانچه «ژان ژورس» این ذهنیت ترکیبی را در مقدمه اثر معروف خود «تاریخ سوسیالیست» تشریح نموده است: «گرچه انسان بحیث یک عضو سازمان بشری در اجتماع زندگی می کند و تحت تاثیر روز افزون و مداوم محیط قرار دارد با اینهمه حواس و فکر او متوجه ساحت وسیعی که عبارت از جهان است، می باشد... نسبت روح بشری،

در هنگام تخیلات جسورانه و موشگافانه او، با نظام اقتصادی و اجتماعی هر چه باشد باز هم فکر او در خارج از محیط بشری در فضای لایتناهی جولان می نماید. تماس با عالم کائنات نیروی مرموز و عمیقی را در روح او میدمد، نیروی یک زندگی پرهیجان و جاوید را که قبل از ایجاد جوامع بشری وجود داشته و بعد از آن نیز ادامه پیدا خواهد کرد. بنابراین بوجوبی معنی است اگر از تعلق فکری و تخیلی انکار نموده و مفکوره نظام های اقتصادی و اشکال و رژیم های تولیدی را مدار اعتبار قرار دهیم، خیالی مضحک است اگر تحولات فکر بشری را صرف بر اثر عوامل اقتصادی بدانیم، افکار مردم غالباً در مقابل نظام اجتماعی مقاومت می نماید... باید از ورای تحولات نیمه ماشینی نظام اقتصادی توجه ما را به روح بشر که از محیط اجتماعی به عالم بالا ارتقایی یابد، معطوف سازیم... بنا بر این تعبیرات تاریخ باید ترکیبی از مائتر یا ایسم مارکس و دنیای مرموز میشله باشد. درست است که حیات اقتصادی مؤجد تاریخ بشری است اما انسان بعینت یک موجود متفکر نمیتواند از معنویات چشم پپوشد.

نمای گذشته باید به ترتیب زنده ای بوسیله مؤرخ نشان داده شود و مؤرخ همانطور که یک عالم است یک هنرمند نیز باشد.

### قطعیت و مفاد تاریخ

بر اثر وجود مشکلات متعدد در راه تفحصات تاریخی و امکان اشتباه، مسایل تاریخی دارای قطعیت نسبی می باشد و جنبه احتمال آن در نظر بعضی ها از جنبه قطعیت آن بیشتر است، با اینهمه احتمالات تاریخی بعضاً به اندازه ای قوی است که انکار از آن با عقل و منطق جور نمی آید، مثلاً در این امر نمیتوان تردید کرد که آیا ناپلیونی در تاریخ وجود داشته است یا نه؟

بعضاً از خود می پرسند که آیا حقیقت احتمال وقایع تاریخی با مرور زمان از بین می رود؟ جان کریگ، ریاضی دان انگلیسی در قرن ۱۷، در اینباره حساب نموده است که وقایع زمان میلاد در سال ۳۱۵۳ ق.م. قبل قبول نخواهد بود و لاپلاس نیز، بدون اینکه محاسبه فوق را پذیرفته باشد، معتقد بود که قطعیت شهادت با مرور سالها ضعیف می گردد. اما این نظریه وقتی حقیقت میداشت که وقایع تاریخی بقسم شفاهی از پدر به پسر نقل می شد در حالی که خط و چاپ اسناد تاریخ را از دستبرد زمان نجات داده و برای اعصار طولانی حفظ می نماید، از طرف

دیگر بهر اندازه که علم انکشاف می یابد مدارك بیشتری کشف می گردد و این مدارك هنوز هم بر معلومات مراجع بگذشته می افزاید ، با لآخره هر اندازه که مدت زیادتری از يك واقعه بگذرد اغراض و عواطف کمتر شده و تجسّسات تاریخی بیشتر از روی بیطرفی صورت می گیرد . ما تاریخ مصر قدیم را نسبت به ر و میان بهتر می دانیم و به تاریخ روم پیش از مردم قرن ۱۷ آشنائی داریم ، بنا بر این میتوان گفت که حقایق تاریخی مانند دیگر حقایق بمرور زمان کاملتر می گردد . تاریخ حس کنجکاوی ما را راجع بگذشته و حال اقناع می نماید زیرا اوضاع کنونی جمعیت های بشری تا اندازه زیاد توسط گذشته آن تشریح شده است ، و عادات و رسوم باستانی در ترقی این جمعیت ها به قوه خود باقی هستند از اینجاست که اوگوست کنت معتقد است که تعداد مردگان نسبت به زندگان بیشتر است و مردگان برزنده ها حکومت می کنند .

تاریخ دارای نتایج متعدد اخلاقی است ، احترام و حق شناسی ما را در مقابل اجدادمان تقویه می نماید و ما را مستشعر می گرداند که آنچه را که از آن برخورداریم شخصیت و موجودیت مان ، مرهون ایشان است ، اطلاع از تاریخ کشور سبب تقویه حس وطن دوستی می شود زیرا همانطوریکه حافظه برای افراد یگانه شرط شخصیت است ، تاریخ نیز برای مردم از ضروریات بشمار می رود . تاریخ يك هماهنگی عمیق و يك حس همکاری بین افراد تولید نموده و آنها را در کارها یشان موفق می گرداند و در عین حال که سبب ارتقای مفکوره های اخلاقی می گردد ، عاطفه انسانی و حس برادری را بین کلیه افراد يك جامعه بوجود می آورد . علاوه تاریخ وسیله لازمی برای جامعه شناسی است بنا بر این اگر مسایل تاریخ صرف احتمالی است موضوعات علم جامعه شناسی دارای قطعیت و واقعیت می باشد . بنا بعقیده « گابریل مونود » در تاریخ اهمیت کلیات نسبت به جزئیات ، که اساس کلیات را تشکیل می دهد ، بیشتر است و زیادتر دارای حقیقت و واقعیت می باشد . باری همین کلیات است که مورد استفاده جامعه شناسی قرار می گیرد . با لآخره همانطوریکه قبلا متذکر شدیم تطبیق روشهای انتقادی تاریخ در زندگی روزمره بمنظور درك حقایق و جلوگیری از اشتباه و سوء تفاهم خیلی اهمیت دارد .